

و السامع المجيب يا أحمدُ عليك سلامي

حضرت بهاء الله

اصلي فارسی



من آثار حضرت بهاء الله - لثالثی الحکمة، المجلد 2، لوح رقم (101)،
الصفحة 199 - 203

هو السامع المجيب

يا احمد عليك سلامي نامہء آنجناب در سجن اعظم بمظلوم رسيد از قرار مذکور اراده نموده ايد قلب و صدر را از کوثر بيان که از قلم برهان جاری تطهير نموده بافق اعلى توجه نمائيد عرفان اين مقام اعلى و ذروهء اعلى فضلى است از جانب حق جلّ جلاله اگر آنجناب در ظهورات قبل تفکر نمايند و در دريای انصاف داخل شوند و بمفاد اينکلمهء على که مي فرمايد ربّ ادخلني في لجة بجر احديتک البته باشراقات انوار آفتاب حقيقت فائز شوند اينست که مي فرمايد و في قعره شمس تضيء چه که اين مقام في الحقيقه مقام قدر است از حق مي طلبيم آنجناب را از کوثر اين بيان قسمت عطا فرمايد تا از قدر که مقام هندسه و اندازه است بظهور قضا فائز شوند و عارف کردند چنانچه فرموده اند القضاء هو تأليف ما قدر اينمظلوم از اول ايام الی حين امام وجوه ملوک و مملوک کل را باعلى النداء بحق جلّ جلاله دعوت نمود و مقصود آنکه عزّت رفته باز آيد و اعلام منکوسهء مطروحه مرتفع شود و إلى حين عباد غافل مقصود را نيافتند و بانصاف نيامدند ملاحظه نمائيد اهل توحيد در اول ايام بچه قدرت و غلبه ظاهر و حال بچه ضعف مبتلا آن قدرت چه شد و اين ضعف از کجا آمد و مقصودی جز اعلاء کلمة الله نبوده و هم چنين نجات خلق البته آنجناب اصغا نموده اند که چه گفته اند و چه کرده اند ليس هذا اول امر ظهر في العالم و اول قارورة كسرت في الاسلام اينمظلوم مقصر در خاتم انبياء روح ما سواه فداه تفکر نمائيد که چه گفتند و چه کردند در کتاب ايقان که از مشرق قلم علم و حکمت اشراق نموده ملاحظه فرمائيد جميع امور من غير ستر و حجاب از برای آنجناب کشف ميشود مع آنکه آنحضرت بکلمهء توحيد دعوت فرمودند مع ذلک از علمای اصنام و يهود و نصاری وارد شد بر آنحضرت آنچه که لوح گريست و قلم نوحه نمود در حضرت



ORIGINAL

روح تفکر کنید آنحضرت جمیع را بجز عنایت الهی دعوت فرمود مع ذلک علمای یهود و اصنام بر آنحضرت وارد آوردند آنچه را که قلم از ذکرش عاجز و قاصر ظلم آن نفوس غافله بمقامی رسید که حق جلّ جلاله او را باسماں فرستاد و هم چنین در سایر انبیا و اصفیا و اولیا تفکر نمائید آیه مبارکه (و ما یأتیهم من رسول) و هم چنین آیه اخری (ولقد همّت کلّ امة برسولهم) الی آخرها دو گواهند از برای آنچه ذکر شد آیا سبب اعراض و اعتراضات چه بود و علتّ چه جمیع علمای ایران بر آنند که طلعت موعود یعنی قائم ظاهر میشود و بکلمه نطق میفرماید که نقبای ارض از آنکلمه اعراض مینمایند و نقبا بهترین خلق روی ارضند در آن یوم اینکلمه را میگویند و از برای بهترین خلق اثبات هزیمت و فرار مینمایند و لکن در خود گمان توقّف و اعراض و اعتراض و فرار نموده و نمینمایند از اینفقره بینش و دانش آنخزب معلوم و واضح است اذا وجدت عرف بیانی و وجهک شطر البیت الذی جعله الله مطاف العالم و قل إلهی إلهی هذا عبدک و ابن عبدک یشهد بوحدانیتک و فردانیتک و بما نطق به لسان صفوتک و سفرائک اسئلك یا اله الکائنات و مقصود الممکنات بالذی به زینت افلاک سماء قدرتک و بانوار وجهه و بالکلمة الّتی بها ظهرت الموجودات و تمتّ حجتک علی من فی ارضک و سمائك بان تجعلنی فی کلّ الاحوال مستقیما علی امرک و قائما علی خدمتک و ناطقا بثنائک ثمّ اسئلك یا اله الغیب و الشهود بمقامک المحمود و اسمک المهیمن علی کلّ شاهد و مشهود بان تؤیّدنی علی عرفان مطلع آیاتک و مشرق وحیک و مصدر امرک و منبع علمک انک انت الذی لا یعجزک شیء و لا یمنعک امر غلبت قدرتک قدرة العالم و ارادتک ارادات الامم لا اله الا انت القویّ الغالب المقتدر العلیم الحکیم .